

آینه

ایران

پناهنده یا مهاجرت شغلی؟

● **عباس عبیدی**، به نظر می‌رسد که مهاجرین را باید به چند دسته تقسیم کرد و برای هرکدام بر اساس شرایط آنان سیاست مناسب اتخاذ کرد. اولین گروه مهاجرانی هستند که برای سال‌های متعددی در ایران زندگی می‌کنند و خانواده دارند (همسر ایرانی یا افغانستانی یا از کشور دیگر) و فرزندان‌شان در اینجا تحصیل کرده‌اند. آنان عموماً با فرهنگ و آداب ایران خو گرفته‌اند، بویژه کودکان‌شان و بخش مهمی از آنان تعلقات‌خاطرشان به ایران اتقندر هست که تابعیت ایرانی به آنان داده و در جامعه ایران جذب شوند. گروه دیگر افغانستانی‌ها و مهاجرانی هستند که فقط برای کار به ایران می‌آیند و بخش بزرگی از درآمد خود را تبدیل به ارز کرده و به افغانستان یا کشورشان می‌فرستند. این گروه خواه‌ناخواه با تغییرات قیمت ارز ایران را ترک خواهند کرد. گروه دیگر که پناهندگان اجتماعی هستند و بر اثر مشکلات و فقر برای گذران زندگی به ایران می‌آیند. باید میان پناهندگان و مهاجر و نیروی کار قانونی و غیرقانونی تفاوت قائل شد تا بتوان سیاستی انسانی و مفید به حال همه طرف‌های ماجرأ اتخاذ کرد

جمهوری اسلامی

یادداشت مدیرمسئول

● اشکالات محتوایی تلویزیون را نباید در قمار «برنده باش» خلاصه کرد. از آگهی‌های بازرگانی بگیرید تا برنامه‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی هرکدام به شکلی دچار ایرادهایی هستند که عمده‌تا به مسائل ارزشی و اعتقادی مربوط می‌شوند. این وضعیت تأسف‌بار حالا به مجموعه‌های تلویزیونی و برنامه‌های شب‌های ماه مبارک رمضان هم سرایت کرده است. پیشنهاد می‌کنم رئیس رسانه ملی و مدیر شبکه یک این برنامه را با دقت ببینند و خود قضاوت کنند و اگر به همین نتیجه رسیدند، برای تجدیدنظر در محتوای برنامه‌های تلویزیون درنگ نکنند. رسانه ملی، با عظمتی که دارد و با تأثیرگذاری زیادی که دارد، امانتی است در دست شما که نباید اجازه بدهید با همین حال ناخوش به کار خود ادامه بدهد. رسانه ملی باید چنان پرمحتوا باشد که به فرموده امام خمینی دانشگاه باشد. برای دانشگاه‌شدن رسانه ملی به سواد دینی و علوم اجتماعی نیاز است، از افرادی استفاده کنید که دارای سواد دینی و علوم اجتماعی باشند.

کیهان

چگونه جنگ اقتصادی دشمن را متوقف کنیم؟

● **سعدالله زارعی**؛ ما در عملیات روانی باید دست به اقدامات متقابل بزنیم. بعضی گمان کرده‌اند که ایران چون رسانه قدرتمندی که پیامش را در کل دنیا منعکس سازد و به گوش آمریکایی‌ها هم برساند، ندارد پس نمی‌تواند به عملیات روانی علیه آمریکا دست بزند که این اشتباه است. ما برای عملیات روانی علیه آمریکا لزوماً نیاز به رسانه نداریم، نیاز به طراحی و اقدام داریم. مگر نه این است که آمریکا، خود را به امنیت و بقاء «رژیم صهیونیستی» ملزم می‌داند و مگر نه این است که روی بقاء و امنیت رژیم سعودی حساسیت دارد، خب ما می‌توانیم با نشان‌دادن وضعیتی که حیات اسرائیل و سعودی را با مخاطره مواجه می‌گرداند، آن دسته از نیروهای داخلی آمریکا که واقعاً نگران امنیت همپیمان‌های منطقه‌ای خود هستند را برای مقابله با اقدامات ضدایرانی به صحنه بیاوریم. اگر آنان ـ شامل ایک و نهادهای پر قدرت رسانه‌ای آمریکا ـ دریابند که ادامه سیاست ضدایرانی آمریکا، به طور جدی به عقبه‌های استراتژیک آنها آسیب می‌زند و ایران را وادار به اقدام علیه این عقبه‌ها می‌کند، حتماً برای متوقف‌کردن اقدامات اقتصادی ضدایرانی فشارهای خود را روی دولت آمریکا وارد می‌کنند. جالب این است که حدود یک ماه پیش در یک نظرسنجی که «پیو» انجام داد، ۷۰ درصد یهودیان آمریکا از تشدید وضع امنیتی خاورمیانه به‌شدت ابراز نگرانی کرده بودند.

رسانه

ناویلینکلن با مأموریت هالیوودی

● **سیدمحمد بحرینیان**؛ اگر کلیدواژه «ناو» را در یک رسانه انگلیسی‌زبان جست‌وجو کنید، اخبار متعددی پیرامون آن مشاهده می‌کنید که واقعا ارزش خبری ندارند. اخباری مانند این‌که ناو جنگی آمریکا قصد عزیمت به خلیج‌فارس دارد، ناو از بندری در آمریکا حرکت کرد، ناو به نیمه راه رسید، ناو به جنوب غرب آسیا رسید و ناو از تنگه هرمز عبور کرد، همه نشانگر آنند که اساسا این ناو قرار نیست هیچ کار جدی نظامی بکند و اصل هدف طراحی‌شده برای آن، ایجاد همین سروصدا و ایجاد ترس در حریف است. اما از آن سوی ماجرا، در ایران اسلامی، این خبرها اصلا جدی گرفته نمی‌شود. ملت ما، چهل سال است تمرین کرده که از هیمنه پوشالی آمریکا نهراسد. اگر بگویم دانشجویان ایرانی، تنها افرادی هستند که در ۵ دهه گذشته، دولت آمریکا را با بحران مشروعیت روبه‌رو کرده و موجب یک مرحله‌ای‌شدن آن گشته‌اند، گزاف نیست. جالب آن‌که ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا که عملاً موجب شکست دولت کاتر شد، کاملاً جنبشی و برخاسته از بدنه جوانان سال‌های اول انقلاب بود.

ادامه از صفحه‌اول

بخشی از جامعه.

حالا بخشی از حاکمان یا حکمرانان، این مسئله را دوچندان می‌کند. مسئله را جناحی و قشری می‌کند و مصیبت مضاعف می‌شود. عده‌ای به اسم هدایت امور و اداره جامعه بر اساس بایدها و نبایدها، در واقع بایدها و نبایدهای جناحی خودشان را دنبال می‌کنند نه گفتمان تعریف‌شده را. اما در بهترین حالت، می‌خواهند بر اساس یک نگاه منطقی بدون توجه به محیط بیرونی سیاست‌گذاری کنند و مدام هم سیاست‌گذاری می‌کنند. سیاست‌گذاری‌های متداخل می‌کند و آدم گیج می‌شود. تا سیاستی تنظیم می‌شود، یکی دیگر را تنظیم می‌کنند. هنوز اولی به نتیجه نرسیده دوباره یک سیاست‌گذاری جدید تعریف می‌کنند. اصلاً درست نیست. ما سیاست‌های زیادی را در این کشور داریم. روشن‌تر بگویم یک سند چشم‌انداز تصویب می‌شود که با فاصله‌ای نه‌چندان زیاد چیزی آمد تحت عنوان اقتصاد مقاومتی که کاربردی و انضامی بود. به جای اینکه به این بچسبند، آمدند یک الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را طراحی کردند. من درجریانش بودم که از ابتدا دچار اشکالاتی بود. خودم در آن جلسات که دعوت شدم، اینها را گفتم.

ک‌چرا؟

چطور می‌شود بدون مشخص‌کردن مبنای یک سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری کرد؟ من این را اضافه کنم که نمی‌گویم سیاست‌ها نباید به بایدها و نبایدها و زبان دلایل بی‌توجه باشند. می‌گویم نباید فقط زبان دلایل باشد. مبنای سیاست‌گذاری، دلایل ماست. سؤال من این بود که با کدام مبنای می‌خواهید این‌الگو را پیش ببرید. چرا ۲۲ اندیشکده‌راه انداخته‌اید؟ چرا ۱۰ تا نه؟ چرا ۳۰ تا نه؟ جوابی نداشتند. من در آن جلسه به آنها گفتم که یک جواب به شما می‌دهم. حقوق شهروندی می‌تواند فردی و گروهی و جامعه‌ای باشد. می‌تواند معنویت باشد، عدالت باشد، اخلاق باشد، آزادی باشد. حسب کاری که ما قبلاً با یک تیم کرده بودیم؛ تیمی که در آن جامعه‌شناس، سیاست‌گذار و حقوق‌دان بود. دو سال زحمت کشیده و یک حقوق شهروندی تدوین کرده و تهدیدها و سیاست‌ها را هم مشخص کرده بودیم. گفته بودیم این حقوق شهروندی ماست. حالا چه اموری اینها را تهدید می‌کند و چه سیاست‌هایی باید پیشنهاد شود. من در همان جلسات الگوی اسلامی پیشرفت بحث حقوق شهروندی را پیش کشیدم اما دیدم اصلاً کسی به حرف ما گوش نمی‌دهد. گفتم اصلاً اینجا جای ما نیست. یکی، دو جلسه به یکی از این اندیشکده‌هایی که دعوت شده بودم، رفتم و خداحافظی کردم.

ک‌چرا؟

نفهمیدم. ای کاش می‌فهمیدم. آخر کار نیز وقتی نتایج کارشان را منتشر کردند، باز هم نفهمیدم. مصاحبه هم نکردم. گفتم چرا همیشه به‌عنوان یک منتقد شناخته شوم. به این خاطر که چیزی به سندهای قبلی ما اضافه نکرد. سؤال من این بود که این الگوی اسلامی پیشرفت تا چه اندازه سندهای قبلی را پیش برده است؟ ما این همه سند سیاست‌گذاری داشتیم. وقتی چیزی سال‌ها وقت می‌برد، باید بگویید تا کجا پیش رفته است؟ همان وقت با یکی از این استادان سیاست‌گذاری تماس گرفتم، گفتم من مصاحبه نمی‌کنم، شما صحبت کنید. همان حرف بنده را زد و گفت این سند چقدر سندهای قبلی را جلو برده است؟ تا چه اندازه عملیاتی است و تقدم و تاخرش چیست؟ چرا ما وقتمان را این طور تلف می‌کنیم. مگر چقدر وقت داریم؟ چقدر به چیزی مثل اقتصاد مقاومتی و بروید جلو. ظرف اقتصاد مقاومتی تمرکززدایی از اداره کشور است. یعنی توجه به امکانات و ظرفیت‌ها در اقصی نقاط کشور. ببینید در کل کشور چقدر استعداد و ظرفیت و فرصت خوابیده است. باید اینها شناسایی شود. بنابراین بحث من این است که وقتی به‌اصطلاح سیاست‌ها متکثر و متداخل شد، اصلاً ما راه را گم می‌کنیم و کدام اصل و کدام فرع است. سیاست‌گذاری‌های متداخل و متکثر وقت ما را هدر می‌دهد و گاهی بوی هژمونی هم از آن به مشام می‌رسد.

مسئله دیگر این است که این سیاست‌گذاری‌ها باید منعطف باشد. بعد از مدتی باید عطف به علنام و نشانه‌هایی که از عرصه علیت یعنی همان مردم می‌گیرد، منبسط شود. یعنی اگر سیاست‌گذاری خوب می‌خواهیم، باید یک دیالکتیکی بین عرصه دلیل و علت رخ دهد. عرصه دلیل عرصه اجزای یک نظام منطقی است که یکدیگر را نفی نکنند. عرصه علیت اما به مردم و حیات روزانه‌شان مربوط می‌شود. با این تفسیر که مردم لزوماً تابع ارتباطات منطقی نیستند. این نه خوب است و نه بد. مردم تحت تأثیر خیلی چیزها هستند. مردم شاید تحت تأثیر یک اسطوره یا قصه باشند. شما نمی‌توانید بگویید نباشند یا چرا هستند؟ واقعیت دارد. بنابراین زبان دلایل شما که مربوط به انتزاعات است، باید منبسط شود. چطور؟ از طریق تأثیرپذیری از عرصه علیت.

ک‌به نظر می‌رسد که این ارتباط الان قطع است، یا حداقل درک و مفهوم سیاست‌گذاران از جامعه‌ای که می‌خواهند برایش سیاست‌گذاری کنند، مربوط به امروز مردم نیست، مربوط به گذشته‌ای است که شاید دیگر حداقل الان آن‌گونه نیست و منوجه تحولات جامعه نیستند.

مربوط به گذشته هم نیست. مربوط به ذهنیات است. ببینید بخشی از سیاست‌گذاری‌های ما باید به ذهنیات معطوف باشد. اگر بخواهیم براساس روزمرگی سیاست‌گذاری کنیم که دیگر معنی ندارد. چون سیاست‌گذاری براساس کلیات فرازمانی و مکانی است اما این سیاست‌گذاری نباید به کلی‌گویی و مشغولیت ذهنی صرف تبدیل شود. باید انبساط پیدا کند و آن هم یک منطق دارد. می‌گوید که عرصه دلیل می‌خواهد

سیاست

تصمیمات ناهنگام و بهنگام در سیاست

اکنون چه باید کرد؟



مهدي كربی، سوبان تانک شرق

ک‌در همین موردی که مثال زدید، الان مجمع تشخیص مصلحت نظام درگیر بحث تصویب یا رد لوایح اف‌ای‌تی‌اف است؛ اما به مشکل خورده یا حتی بوی رد از آن به مشام می‌رسد. خب این را چطور می‌توان در قالب همین سیاست‌گذاری بهنگام یا ناهنگام ارزیابی کرد.

نمی‌خواهم وارد جزئیات لایحه مزبور بشوم؛ چون در جریان بحثش نیستیم؛ اما اگر یک کانون قوی‌تر داشتیم، مبنایی‌تر برخورد می‌کردیم. این‌قدر بحث‌های عجیب شده که آدم باید با احتیاط صحبت کند. همواره می‌گویم که حداقل انتظاری که از نظام جمهوری داشتیم که ربطی به انقلابی‌بودن یا نبودن ما قبل از انقلاب نداشت، این است که در همان فرهنگ شفاهی قبل از انقلاب ما نزول و رباخواری چیز زشتی بود. توقع داشتیم در نظام دینی ما دیگر ربا وجود نداشته باشد. الان مراجع ما در برابر نظام بانکداری موضع دارند و می‌گویند شبهه بروی دارد. سه مرجع هم گفته‌اند. حالا ما می‌گویم اصلاً کاری به این افراد نداریم. می‌پرسم نرخ بهره بانکی در ایران چقدر است؟ بروید از کشورهایی که نام اسلامی هم ندارند، سؤال کنید نرخ بهره چقدر است یا نرخ سود سپرده‌های چقدر است؟ چقدر سود وام است؟ چرا این‌طور شد؟ ممکن است یک آدم ساده‌دل بگوید که خب شما یک خانه از طریق وام خریده‌اید، رقمش این‌قدر بوده، الان این‌قدر زیادت‌ر شده؛ پس بهره‌اش هم باید بیشتر شود. این ربات‌ب آن نرخ است که چنین می‌آید. اگر به شما می‌گویند که بهره و ربا نباشد، ثبات ایجاد می‌شود. این مسائلی که به اقتصاد ما ایجاد شده، بخشی از آن مربوط به اتکا به درآمدهای نفتی است. بخشی مربوط به همین مسائل است. خب کجا باید به این چیزها توجه کند؟ کجا باید جلوی آن را سفت و سخت بگیرد؟

ک‌من می‌گم مورد را می‌خواهم در این‌باره برای شما مثال بزنم. بحث ممنوعیت ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال در مجلس مطرح شده بود و تعدادی از نمایندگان مجلس هم به تبع آمارها، اطلاعات و ارزیابی‌های موجود به این نتیجه رسیده بودند که این طرح را تصویب کنند؛ برای همین از قبل شروع به رازینی با فقه‌های شورای نگهبان کردند تا ذهن‌های‌شان را آماده‌کنند که بعداً از تصویب در مجلس به مانع نخورد. روایتی که یکی از نماینده‌های مجلس از این دیدارها ارائه می‌کرد، این بود که شورای نگهبان به آنها گفته بود که صرفاً در یک صورت این مصوبه را تأیید خواهند کرد و آن هم این است که در آرا یا فتاوی‌ای امام خمینی یا مقام معظم رهبری مستند یا استفتایی برای این موضوع پیدا کنند؛ در نهایت هم در کمسیون این طرح به خاطر همین مخالفت‌هایی که گفته شد به لحاظ فقهی بوده و از بیرون هم عده‌ای بسیار فشار می‌آوردند که طرح رای نیاورد، متوقف ماند.

من به این بحث یک بحث کلی‌تر اضافه کنم که پاسخ شما را هم در بر دارد و آن هم این است که شورای نگهبان درباره مجلس خبرگان مصوب کرده است که مستجمعی از فقه‌ها باشد و بعد هم مدون کرده است که امتحان را ما برگزار کنیم. من سؤالم این است که اگر قرار شود عقبه فقهی و جزوی ما در نظام جمهوری اسلامی نقشی داشته باشد، کجا باید این نقش خودش را نشان دهد. وقتی صلاحیت فقهی اعضای خبرگان را مراجع تعیین کردند و تأیید صلاحیت عمومی و سیاسی آن را به شورای نگهبان بدهیم، آن وقت زمینه‌ای فراهم نمی‌شود که مراجع ما از توان فقهی خود برای اداره فقهی و سیستماتیک جامعه استفاده کنند. آن وقت عزیزی می‌آید صحبت می‌کند و مراجع را خطاب قرار می‌دهد که چرا فقه شما بدون تأیید مرجع چون زمینه و ساختار سیاسی آن را فراهم نکرده‌ایم، چه توقعی دارید؟

ک‌در دهه ۶۰ تا جایی که خاطرم هست، برای انتخابات دور دوم خبرگان این اتفاق افتاد که تأیید صلاحیت‌ها از حوزه‌های علمیه گرفته شد و به شورای نگهبان سپرده شد. همان زمان هم برخی از جریان‌چپ آن زمان مخالف این اقدام بودند.
شاید عطف به مصوبه مجلس خبرگان بوده است، چون در قانون اساسی آمده که مجلس خبرگان در چارچوب وظایف خود می‌تواند قانون وضع کند. یعنی اگر قرار به تغییر اساسی باشد، یا باید به مجلس خبرگان بگویم خودتان قانون وضع کنید یا اصلاً باید این قانون را برداریم که چرا مجلس خبرگان بتواند در چارچوب وظایف خودش قانون وضع کند. حالا شورای نگهبان می‌گوید من بر اساس تفسیرم از قانون اساسی عمل می‌کنم. اما بنده می‌گویم بحث باید پخته‌تر شود؛ یعنی آن مجلس خبرگانی که مد نظر بنده است، مستجمعی از همه کارشناسان حوزه‌های مختلف است؛ نه بحث کارشناسی داری به هر جهت، از اتفاقات روزانه است.

فنی و دقیق که آیا برای مثال سن حداقل ۱۳ سال برای سن ازدواج را بپذیریم یا نپذیریم.

ک‌یعنی شما می‌گویید ما بعد از مجلس باید به جای شورای نگهبان یک مجلس خبرگان مورد نظر شما داشته باشیم؟

خیر، بنده می‌گویم ما باید به سمت یک تحول ساختاری برویم. به دلیل آن نگاه قله‌ای که من به مجلس خبرگان دارم. برای اینکه کشور روزمره اداره نشود. ما می‌گوییم به تأثیر و تأثرات توجه شود اما این به معنای نادیده‌گرفتن بایدها و نبایدهای ما نیست. باید یک رابطه دیالکتیکی بین این دو برقرار باشد.

ک‌بس به اعتقاد شما یکی از دلایلی که رابطه دیالکتیکی در ساختار سیاست‌گذاری‌مان نداریم این است که این بحث اجتهاد مستمر را در سیاست‌گذاری‌هایمان از دست داده‌ایم؟

بله، نداریم و جایگاه مطولیش مجلس خبرگان است. در نگاه مطلوب من باید یک تحول عمیق‌تر رخ دهد و آن وقت مجلس خبرگان فقط تعیین رهبری نیست، بلکه نظارت بر اداره فقهی جامعه با حضور همه عقبه حوزوی و فقها و حضور متخصصان و موضوع‌شناسان است. چون فقه حکومتی با فقه فردی و حکم حکومتی فرق دارد.

ک‌در این صورت رابطه این مجلس خبرگان مورد نظر شما با نهاد دولت چگونه خواهد بود؟

اینها نهادی خواهند بود که سیاست‌های کلان را تعیین می‌کنند. ذیل این سیاست کلان هر کسی وظیفه خودش را دارد. مجلس یا دولت یا شورای نگهبان هرکدام وظیفه خودش را انجام می‌دهد. الان یک خلا داریم. نسخه مجلس خبرگان مطلوب بنده را دیگران می‌گویند همان مجمع تشخیص مصلحت است. اما بنده می‌گویم نسخه بدیل نیست، نسخه بدل است ولی اجتناب‌ناپذیر است. این نسخه بدل یا قانونی فعلی ما سیاست‌های کلی نظام را تصویب می‌کند و در اختیار دولت و مجلس قرار می‌گیرد. یک سؤال دارم. شورای نگهبان چه وظیفه‌ای دارد؟ اینکه قوانین مصوب با قانون و اسلام منطبق هست یا خیر؟ اینجا تکلیف آن سیاست‌های کلی چه می‌شود؟

ک‌در تفسیر اخیر شورای نگهبان می‌گوید که ما قوانین را می‌فرستیم برای مجمع که نظر بدهد آیا با سیاست‌های کلی نظام همسو هست یا نه.

به هر حال ما یک خلا داریم، اما اینکه فرایند تعیین این سیاست‌ها چطور باشد محل بحث است. اینکه از وظایف رهبری است شکی نیست اما این بازاری مشورتی که باید در اختیار رهبری باشد، جامع‌الاطراف هست یا نیست؟

ک‌شما درباره محتوای این بازو صحبت کردید اما شاید بهتر است قبل از آن درباره نحوه شکل‌گیری این بازو صحبت کنید.

بله، عرض کردم. این را غیرمستقیم گفتم که وقتی شما بگویید شورای نگهبان؛ صلاحیت عمومی سیاسی با‌تو اما صلاحیت فقهی با مراجع دیگر، سؤال شما طرح نمی‌شود. مراجع معلوم می‌کنند که فلان فرد صلاحیت اجتهاد دارد و می‌تواند وارد مجلس خبرگان فعلی شود یا خیر. اما درباره آن مجلس خبرگانی که بنده می‌گویم به چند نکته باید توجه داشت. صلاحیت فقهی فقها را مراجع تعیین می‌کنند اما صلاحیت‌های کارشناسی هم مطرح می‌شود. چون باید اخلاقی‌شناسان، موضوع‌شناسان و... هم باشند. اول باید ملایک‌های معلوم شود بعد بگویم یک‌سری ملایک تعبیتی و تخصصی است و یک‌سری عمومی و سیاسی. ملایک‌های تخصصی و تعبیتی را هم باید بررسی‌کسری کرد و صلاحیت آن را بر عهده نهادهای مدنی گذاشت و ضمناً تعیینی هم نیستند بلکه تعبیتی هستند. اگر قرار است تبلور عرصه علیت و تأثیر و تأثر باشد باید از دل مردم بپوشد. نخبان و متخصصان بیایند. باید فکر کنیم که نجبر از چطور می‌توانیم بفروستیم. این سؤال را برای مجلس می‌داریم. مگر مجلس فعلی ما عصاره فضائل ملت است؟ اتفاقاً باید سخت گرفت که هر کسی راحت وارد مجلس نشود. اما سخت‌گیری باید معنا شود.

ک‌به نظر شما مجلس خبرگانی که صلاحیت افرادش از داخل حوزه بیرون آمده باشد، چقدر تفاوت دارد با مجلس خبرگانی که از دل شورای نگهبان بیرون می‌آید؟

به نظر من ضمانت بیشتری است هم برای اداره فقهی مطلوب، هم برون‌رفت از شبهه دور. به نظر من شبهه دور هم با این شکل حل می‌شود. مگر شما می‌توانید در سیاست‌گذاری‌های کلان خود به مبنای این انقلاب بی‌توجه باشید. بحث‌ها خیلی تفصیلی و تخصصی است. مگر می‌توانید به فلسفه فقه بی‌توجه باشید. مگر قرار نیست سیاست‌گذاری ما با قانون گره بخورد؟ مگر می‌توانیم سیاستی را بدهیم که سایه‌ای روی قانون نداشته باشد؟ زبانی از اندیشه‌های بشری که به زبان قانون نزدیک است، چه زبانی است؟ قانون در تقسیمات سه‌گانه اخلاق، عقاید و احکام به کدام نزدیک‌تر است؟ به احکام نزدیک‌تر است. قانون و فقه شباهت‌هایی با هم دارند چون هر دو از جنس تعیین رابطه انسان و دیگری و سایر موضوعات‌اند. حالا ما می‌گوییم این باید به‌روز باشد؛ یعنی باید پای اجتهاد مستمر به میان آید. پای اجتهاد مستمر که وسط بیاید یعنی پای سیاست‌گذاری وسط می‌آید. ما می‌گوییم کشور باید منطبق و روال‌مند شود. اگر کسی بگوید اداره کشور ما فقهی است، من دستش را می‌گیرم و حداقل بانک روی را نشانش می‌دهم. آیا بانکداری ما اسلامی است؟ خود امام دست نیاز دراز کرد. رهبری می‌رودن قم می‌گویند کمک کنید. خب بستر این کمک را باید فراهم کرد. ما به ملزومات این شعارهای خوب توجه نمی‌کنیم.

روزنه

رئیس قوه قضائیه:

نه مذاکره می‌کنیم و نه تسلیم می‌شویم



● **میزان**: حجت‌الاسلام رئیسی با بیان اینکه همه قوا و دستگاه‌ها از اختیارات کافی برخوردار هستند، بهبود وضعیت معیشت مردم را در گرو کنشگری فعال مسئولان و کارگزاران نظام دانست و گفت: لازم است وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی، اقداماتی عاجل برای کنترل بازار صورت دهند. سیدابراهیم رئیسی در جلسه مسئولان عالی قضائی، ماه مبارک رمضان را ماه عبادت، کسب معنویت، خودسازی و توجه به وجود مقدس پروردگار متعال برشمرد و تصریح کرد: همه آنچه در لحظات معنوی این ماه بزرگ بر انسان تکلیف شده، برای خودسازی و کسب تقوای الهی است که این تقوا، انسان را در مقابل همه همه‌های شیاطین صیانت می‌کند و موجب تقویت مقاومت انسان در برابر انواع هواهای نفسانی و مشکلات می‌شود.

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه ماه رمضان بهترین فرصت برای تقویت اراده است، افزود: آنچه امروز پیش‌روی ماست، جنگ اراده‌هاست. اراده‌هایی با اتصال به خدا و ارزش‌های الهی، راه ایستادگی و مقاومت را طی می‌کنند و اراده‌هایی نیز با فزون‌خواهی، استکبار و فتنه‌انگیزی در صدد پیشبرد اهداف شیاطینی خود هستند؛ اما تردیدی نداریم که پیروزی این میدان، اراده‌های متصل به خدا خواهند بود.

پیروزی ملت ایران در گرو مقاومت واعتماد به داشته‌های خوداست

رئییی با اشاره به پیروزی‌های مردم غزه و یمن با دستان خالی در برابر رژیم صهیونیستی، آل سعود و آمریکا و به استیصال کشتاندن حکومت‌های مستبکر و اطرهار کرد: آنچه امروز با آن مواجهیم، سیبظت‌ها، فتنه‌ها و جنگ اقتصادی، روانی و سیاسی است که دشمن به راه انداخته و در مقابل این اقدامات خصمانه، آنچه موجب پیروزی ملت بزرگ ایران خواهد شد، نه مذاکره، نه تسلیم و نه پیام‌های نارست‌است که متضمن هرگونه عقب‌نشینی یا استیصال از مذاکره با متجاوزان به حقوق مردم باشد بلکه پیروزی ما صرفاً در گرو همان آموزه‌های والایی است که از معلم بزرگ خود حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) و رهبر بصیر و فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در طول ۴۰ سال گذشته آموخته‌ایم و آن چیزی نیست جز ایستادگی، مقاومت، اتکال به خدا، اعتماد به داشته‌های مادی و معنوی و در یک کلام، اعتقاد عمیق به شعار راهبری «ما می‌توانیم».

کنشگران فعال، پیروز میدان مشکلات امروز خواهند بود

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه با اراده پولادین می‌توانیم بر اراده پلید دشمن فائق بیاییم، این امر را در گرو حضور فعال مردم و مسئولان و دوری از حرکت‌های منفعلانه دانست و خاطرنشان کرد: امروز، کنشگران فعال در این میدان پیروز خواهند بود. با اتمام‌حجت مقام معظم رهبری به همه مسئولان نظام، رؤسای قوا و کارگزاران کشور به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، میدان حاضر، میدان عمل و اجراست و هیچ بهانه‌ای پذیرفته نیست.

مقام معظم رهبری بر همه قوای کشور اتمام‌حجت کردند و اختیارات کافی را داده‌اند؛ امروز نوبت مسئولین است. رئیسی افزود: همه قوا، دستگاه‌ها و مسئولان از اختیارات کافی و قانونی برای انجام وظایف خود برخوردار هستند و کوچک‌ترین سستی در عمل به تکالیف نباید وجود داشته باشد. در همین راستا، اولویت اصلی تلاش در جهت بهبود وضعیت معیشت مردم است. لازم است وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی، اقداماتی عاجل برای کنترل بازار صورت دهند تا دست سوداگران برای بازی با معیشت مردم، باز نباشد.

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه بحمدالله کشور ما از نظر منابع مادی و معنوی هیچ کمبودی ندارد، مدیریت و کنترل منابع را امری ضروری برای ساماندهی وضعیت اقتصادی دانست و تصریح کرد: انتظار مردم از مسئولان نظام، کنشگری فعال در عمل به وظایف قانونی است. مجموعه دستگاه قضائی نیز قطعاً تمام تلاش خود را برای گره‌شایی از کار مردم به کار می‌گیرد و به وظایف خود به بهترین نحو عمل خواهد کرد.